



بارها و بارها در سمینارها، همایشها و کارگاههایی که برگزار می‌کنم با این سؤالات و ابهامات از سوی برخی از نمایندگان بیمه مواجه می‌شوم که دین مبین اسلام، مراجع تقلید و فقها چه نقطه نظراتی درباره بیمه و بخصوص بیمه های عمر دارند. با اینکه پاسخ به این سؤال به صورت پراکنده در اینترنت یا سایر منابع و برخی کتب قید شده است اما همواره جای مقاله‌ای همانند آنچه در ادامه مطالعه خواهید نمود خالی بود.

قابل توجه است که محتوای زیر، توسط اینجانب، از منابع مختلف گردآوری شده است. اما از آنجایی که بسیاری از کلمات و اصطلاحات فقهی و شرعی، معمولاً توسط عموم، قابل درک نیستند، در لابه لای متن، هر جا که نیاز به ارائه توضیحات بیشتری احساس نمودم آن را با رجوع به منابع قابل استناد همراه نمودم.

امیدوارم ارائه این مقاله بتواند گره از مشکلات نمایندگان در مواجهه با مشتریانی که شبهات دینی و شرعی نسبت به بیمه و بخصوص نسبت به بیمه های عمر دارند بگشاید.

استفتائات (درخواست فتوا) شغلها و درآمدها از آیت الله مکارم

اقسام بیمه:

1. بیمه عمر

سؤال: در قراردادهایی که امروزه به اصطلاح «بیمه عمر» نامیده می شود، بیمه گر با بیمه گذار، قراردادی را منعقد می سازد و طی آن تعهد می کند در قبال مبلغی که ماهیانه دریافت می کند در زمان انقضای مدت، مبلغ معینی را به بیمه گذار بدهد و هرگاه در اثنای مدت قرارداد، بیمه گذار فوت کند، بلافاصله تمامی آن مبلغ را به فرد یا افرادی که نام آنها در قرارداد (به عنوان منتفع) ذکر گردیده (که ممکن است یکی از وراثت یا غیر از ورثه باشد) بپردازد. با عنایت به فرض مذکور بفرمایید:

الف) آیا اساساً انعقاد چنین عقدی صحیح است؟

ب) آیا وجه پرداختی بیمه به منتفع، به عنوان مایه متوفی محسوب می شود؟

پاسخ: عقد (قرارداد، عهد و پیمان) بیمه، عقد صحیحی است. البته باید شرایط کلی عقد، مانند عقل، بلوغ، اختیار و روشن بودن امور مربوط به قرارداد، در آن رعایت شود و باید طبق آن عمل شود. وجه مزبور، جنبه ارث ندارد و باید طبق ضوابط بیمه، عمل شود.

2. ماهیت بیمه عمر

سؤال: نظر خود را نسبت به سؤالات زیر بیان فرمایید:

۱) بیمه عمر، از عقود (قراردادها) است یا ایقاعات؟ (جمع لغت "ایقاع" که در فقه و علم حقوق، عمل قضایی یک طرفه ای است که دارای دو شرط باشد: الف: عمل یک طرفه باشد. ب: قابل فسخ و رد و ابطال نباشد). آیا از عقود و ایقاعات متعارف و دارای عنوان فقهی است، یا عناوین موجود منطبق بر آن نیست؟

۲) بیمه عمر، از نوع وصیت عهدی است، یا تملیکی؟

۳) با توجه به ماهیت بیمه عمر، آیا شخص بیمه شده می تواند مبلغی را که پس از فوت توسط بیمه، محاسبه و پرداخت می شود، سهم بندی نماید و برای اشخاصی (اعم از وراث شرعی، و غیر آن) وصیت کند؟

۴) در صورتی که بیمه شده، هیچ فرد و سهمی را مشخص ننماید، طبق قوانین موجود بیمه، مبلغ پرداختی توسط بیمه عمر به صورت مساوی به وراث قانونی پرداخت می گردد. آیا این نحوه تقسیم منطبق بر فتاوی فقهی حضرتعالی می باشد؟

پاسخ: جواب ۱ تا ۴: بیمه یکی از عقود مستحدثه (تازه به وجود آمده - پدیده یا محصول جدید) است که در عرف عقلا (در میان عاقلان و خردمندان) معمول است، و چنانچه شرایط عامه عقود در آن جمع باشد (شرایط رایج و عرف درمیان قراردادهای)، شرعاً اشکالی ندارد و باید طبق قراردادی که بسته شده عمل شود و می توان سهمیه افراد مورد نظر را به صورت درصدی، نه ریالی، تعیین کرد و مشمول ادله وجوب (شامل دلایل واجب بودن) وفا به عقد است.

۳) بیمه جامع زندگی

سؤال: یک شرکت بیمه، پیشنهاد بیمه جامع زندگی به من داده است. بدین صورت که من به دلخواه خودم مبلغی به عنوان سرمایه در هر سال که مدت آن حداکثر ۳۰ سال است به علاوه

درصد تورم سالانه آن، به عنوان حق بیمه می پردازم. من برای سال اول، ۵۰۰،۰۰۰ تومان و درصد تورم ۱۰ درصد انتخاب کردم و پایان ۳۰ سال حدود ۸۴ میلیون تومان باید پردازم. شرکت بیمه در پایان ۳۰ سال، مبلغ ۲۴۳ میلیون به من بر می گرداند؛ یا یکجا یا به صورت مستمری. این مبلغ چه حکمی دارد؟

پاسخ: در صورتیکه با پولی که شما می دهید کار اقتصادی درآمدزایی انجام می دهند و از منافع آن به اضافه سرمایه مبلغ مزبور را به شما می دهند، اشکالی ندارد.

۴) بیمه عمر

سؤال: اینجانب خود را بیمه کرده ام. بیمه این اینجانب به این صورت می باشد که در طول ۳۰ سال در صورتی که برای من حادثه ای پیش بیاید که منجر به فوت و یا هر صدمه دیگر هم از نظر مالی و هم از نظر خسارت شود، به خانواده من تا سقف ۲۰۰ میلیون تومان کمک می کند. همچنین در صورتی که بعد از ۳۰ سال به من هیچ صدمه ای وارد نشود، بیمه مرا بازنشسته اعلام می کند و حدود ۱ میلیارد تومان به من به عنوان حق بازنشستگی می دهد. می خواهم بدانم این پول صحیح و حلال است یا خیر؟

پاسخ: این نوعی قرارداد است و آنچه در مقابل آن می گیرند مانعی ندارد.

دین مبین اسلام درباره بیمه چه نقطه نظری دارد؟

در فقه، به مواردی بر می خوریم که صورت عقد بیمه را داشته است. از جمله آنها می توان به مسئله «**ضمان جریره**» (ضمان جریره، قراردادی است میان دو نفر تحت شروط خاصی، مبنی بر این که اگر هر یک از آنها به طور خطا مرتکب جنایتی شود طرف مقابل آن را جبران کند) اشاره کرد که این قرارداد در دوران جاهلیت وجود داشت و اسلام نیز آن را به رسمیت شناخت.

در حقیقت «**عقد ضمان جریره**» نوعی بیمه است، اما در بُعد کوچک که هر یک از طرفین، تحت شرایطی، غرامت جرایم یکدیگر را بر عهده می گیرند و در مقابل این تعهد، در شرایط خاصی، از یکدیگر ارث می برند (برای مطالعه بیشتر در این مورد مراجعه فرمایید به صفحه ۳۸۳ از جلد بیستم کتاب فقه و حقوق؛ نوشته مرتضی مطهری)

در دوران ما که زندگی صنعتی، سوانح، آسیب ها، آفات، خطرات و نگرانی هایی را در مشاغل تجاری، کارگری و... پدید آورده است، با توجه به قوانین و مقررات اسلامی، باید این نوع نگرانی ها برطرف شود و گاهی که بر اثر آتش سوزی مغازه و خانه، و یا کشتی تجاری، تمامی اموال انسان از بین می رود، با برنامه ریزی خاص، خسارت او بر طرف گردد.

تعریف بیمه:

بیمه، نوعی تعهد و پیمان میان دو شخص حقیقی یا حقوقی است که به موجب آن، یک طرف متعهد می گردد در ازای پرداخت مبلغی از سوی طرف دیگر، در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او یا بخشی از آن را جبران نماید.

متعهد را «بیمه‌گر»، طرف تعهد را «بیمه‌گذار» و وجه پرداختی از سوی طرف تعهد به متعهد را «حق بیمه» یا «وجه بیمه» گویند (برای مطالعه بیشتر در این مورد به صفحه ۲۱۳ از جلد دوم کتاب فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع) نوشته سید محمود هاشمی مراجعه نمایید)

بیمه انواع مختلف دارد؛ مانند بیمه عمر، بیمه بهداشت و درمان، بیمه حوادث، بیمه بیکاری و بیمه شخص ثالث و... که در احکام، تفاوتی میان انواع بیمه نیست. (برای مطالعه بیشتر در این مورد به صفحه ۴۴۹ از جلد چهارم کتاب تحریر الوسیله نوشته حضرت امام خمینی (ره) مراجعه فرمایید)

بیمه یک هدف عقلایی دارد. انسان تأمین می‌گیرد و در مواردی (اگر خسارت یا حادثه ای پیش آید) غیر از تأمین، پول هم می‌گیرد. بنابراین، پولی که بیمه‌گذار می‌دهد، هرگز مصداق «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» نیست. (ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دارایی‌های تان را در زندگی خویش و در میان جامعه به ناروا نخورید. این بخشی از آیه ۲۹ سوره النساء می‌باشد که متن کامل آن عبارت است از: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا.

ترجمه کامل این آیه این است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را در میان خود به باطل (از راه نامشروع) مخورید مگر آنکه تجارتي از روی رضایت میان شما انجام یابد، و خودکشی نکنید و همدیگر را نکشید، و خود را به هلاکت گناه نیفکنید که همانا خداوند همواره به شما مهربان است. در بخش آخر مقاله با عنوان "تفاوت بیمه با قمار"، درباره ارتباط این بخش از آیه بیشتر صحبت شده است. "نگارنده: حامد عسگری"

حکم شرعی بیمه:

مراجع عظام تقلید در این باره می گویند:

گرچه بیمه عقد مستقلی است اما می توان آن را در قالب عقود دیگر از قبیل صلح، اجرا نمود. این قرارداد از عقود لازم به شمار می رود و جز با رضایت طرفین قابل فسخ نیست. (مراجعه فرمایید به صفحه ۸۹۳ از جلد دوم کتاب توضیح المسائل حضرت امام خمینی)

تمام اقسام بیمه با به کار بردن شرایط آن، صحیح است (البته به شرطی که رعایت دیگر قوانین شرعی و کشوری در آن شده باشد)، چه بیمه عمر باشد، یا بیمه کالاهای تجاری، یا عمارات یا کشتی ها و هواپیماها و یا بیمه کارمندان دولت یا مؤسسات، یا بیمه شهروندی و روستایی.

شرایط بیمه:

در بیمه، علاوه بر شرایطی که در سایر عقود مطرح است، از قبیل بلوغ، عقل، اختیار و غیر آنها، چند شرط دیگر معتبر است که عبارتند از:

1. تعیین مورد بیمه؛ یعنی چه شخصی یا کالایی مورد بیمه قرار گرفته است.
2. مشخص کردن دو طرف عقد که اشخاص هستند یا مؤسسات و یا دولت.
3. تعیین مبلغی که باید پرداخت شود.
4. مشخص کردن اقساط و زمان پرداخت آن
5. تعیین مدت بیمه

6. مشخص کردن خطرهایی که موجب خسارت می شود؛ مثل حریق، غرق، سرقت، وفات یا بیماری. البته می توان کلیه مواردی را که موجب خسارت می شود، به عنوان موارد خسارت قرار داد.

عقد بیمه به چند صورت اجرا می شود:

1. آن که بیمه گذار بگوید: «به عهده من فلان مقدار که در فلان زمان، و ماهی فلان مقدار بدهم. در مقابل آن، خسارتی که به مغازه من مثلاً از ناحیه آتش سوزی یا دزدی وارد شد، جبران نمایی» و طرف مقابل نیز قبول کند.

2. بیمه گر بگوید: «جبران خسارتی که به مؤسسه شما وارد می شود، مثلاً از ناحیه آتش سوزی یا دزدی، بر عهده من است و در برابر آن، فلان مقدار به من بدهی.»

لازم به ذکر است که تمام قیودی که قبلاً ذکر شد، باید در هر دو صورت، معلوم شود.

بیمه، نوعی تعهد و پیمان میان دو شخص حقیقی یا حقوقی است که به موجب آن، یک طرف متعهد می گردد در ازای پرداخت مبلغی از سوی طرف دیگر، در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او یا بخشی از آن را جبران نماید.

بیمه با قمار چه تفاوتی دارد؟

فقها هیچ احتمال نداده اند که بیمه، در باب قمار داخل شود و وجهی هم ندارد که ما بیمه را در باب قمار داخل بدانیم. صرف به خطر انداختن، ملاک قمار نیست. برای صحت یک معامله باید

استثناها وجود نداشته باشد. ریشه استثناها در معاملات، آن چیزی است که در آیه قرآن آمده که قمار هم یکی از مصداق های آن است: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ.»

مقصود این است که وقتی پول شما در میان شما گردش می کند، بیهوده گردش نکند. یعنی به اصطلاح فقها با یک هدف عقلایی توأم باشد. یک وقت انسان می بخشد. بخشیدن در مواردی یک کار انسانی است. یعنی یک نیاز انسانی است. انسان می خواهد که جود (جوانمردی/بخشش) کرده باشد، این یک کار بیهوده نیست. یا وقتی انسان، کالای خود را به طرف مقابل می فروشد، در مقابل پول می گیرد. یا انسان پول می دهد، در مقابل از معلم، درس می گیرد. باز پول بیهوده گردش نکرده، ولی در مورد قمار و امور شبه قمار، پول از دست طرف بیرون می رود، بدون اینکه چیزی کسب کرده باشد. از نظر شارع (آورنده دین/صاحب شرع)، این پول بیهوده بیرون رفته است.

اما در مورد بیمه این طور نیست. بیمه یک هدف عقلایی دارد. انسان تأمین می گیرد و در مواردی (اگر خسارتی یا حادثه ای پیش آید) غیر از تأمین، پول هم می گیرد. بنابراین، پولی که بیمه گزار می دهد، هرگز مصداق «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» نیست.

بیمه گر و توانگر باشید...

حامد عسگری

[لینک منبع مقاله](#)